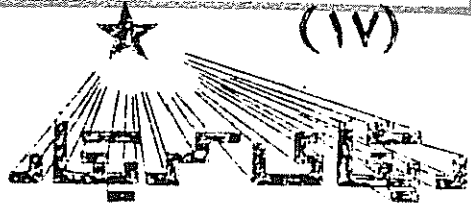


(۱۷)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (راه کارگر)
کمیته کردستان

آموزه های دوی ریبندان

چراغی فرازاه جنبش جاری خلق کرد

در تاریخ مبارزاتی خلقها و
توده های تحت ستم روز عیاسی
یافت میشود که از اهمیت ویژه ای
برخوردارند. اهمیتی که آنها
را به روزهای تاریخی تبدیل میکند
و روزهای تاریخی روز عیاسی هستند
که بیانگر نقطه عطفی در فرآیند
بقیه در صفحه ۹

شهادت رفیق حسین قاضی
صفحه ۸

در این شماره:

اخبار جنبش صفحه ۲۱

پاسخ به نامه ها صفحه ۲۹

نگاهی به وضعیت نظامی در کردستان

مبارزه مسلحانه یقیناً شکل
اصلی مبارزه در کردستان و توجه
بدان بعنوان تاکتیک محوری جنبش
از آنچنان اهمیت برخوردار است که
بررسی مستمر آن و بازبینی تحلیلهای
گذشته و موجود در سطح جنبش را
بضرورتی میسر تبدیل می نماید.
وضعیت نظامی کردستان تا به امروز
موازنه واقعی موجود در هر مرحله
بقیه در صفحه ۲

اعتصاب ۲۷، عزار کارگر ساختمان و آب آسن

اعلامیه کمیته اصفهان

صفحات ۱۹ و ۲۰

آزادی، استقلال، حکومت شورائی

نگاهی به ...

۰۰۰ مقطعی بشمار میروند و با توجه به شتاب تغییرات اوضاع سیاسی ایران و کردستان که حاصل وجود بحران عمومی سیاسی در سطح جامعه است تحلیل وضعیت نظامی کردستان و اتخاذ شیوه های عمل متناسب با این اوضاع وظیفه دائمی جنبش انقلابی بشمار میروند.

در سالهای اولیه پس از قیام بهمن و بعد از آغاز جنگ بین نیروهای انقلابی کردستان و رژیم فقها در اثر موازنه موجود در آن زمان و وجود ضائق آزاد گسترده در کردستان شکل جبهه ای جنگ برانگیز در دیگر غله داشت. گذشته از اینکه چسب عوامی در غلبه این شکل موثر بود و چسب نقاط صحنی در سطح جنبش انقلابی عمل می نمود که باعث گردید پیشروی دشمن بطور مستمر ادامه یابد و در نتیجه نیروی پیشمرگه نتواند در آن موازنه و با تکیه بر نیروی متمرکز خویش نیروی نظامی دشمن را از خاک کردستان بیرون براند، روند پیشروی دشمن و عقب نشینی نیروی پیشمرگه تا بدینجا ادامه یافت که اواخر سال گذشته و اوایل سال اخیر تقریباً تمامی ضائق آزاد بدست دشمن افتاد و موازنه ای دیگر در بین نیروهای متخاصم بوجود آمد.

با تغییر این موازنه آنچه باید مورد توجه جدی قرار میگرفت این بود که در موازنه جدید چه حد از تمرکز یا پراکندگی بسرای نیروی پیشمرگه ضروری است و در مقابل نیروی دشمن قادر به اتخاذ چه نیاستی تحت این موازنه خواهد بود. واقعیت اینست که طرح هر نقشه ای که از موازنه موجود ارزیابی دقیق نداشته یا بدون توجه با چنین ارزیابی صورت گرفته باشد از پیش محکم به شکست خواهد بود. اگر بدون ارزیابی دقیق یا با ارزیابی غلط برنامه ای اتخاذ شود که پایین تر از موازنه موجود باشد بسیاری از امکانات جنبش به هرز رفته و امکانات پیشروی دشمن گسترش خواهد یافت. در مقابل اگر برنامه اتخاذ شده بالاتر از این موازنه باشد نقشه نیروی پیشمرگه با شکست مواجه شده و ضجر به وارد آمدن صریح قابل توجه به این نیرو خواهد شد چرا که شکست نقشه ای که تنها بر پایه اراده استوار باشد و چشم بر واقعیات موجود بیندازد قطعاً خواهد بود. در هر دو حالت نیروی پیشمرگه از پیروزیها و پیشرویهای ممکن محروم شد و دشمن به پیروزیهای باد آورد دست خواهد یافت.

از ابتدای آغاز پیشرویهای سریع دشمن مسئله ای که در سطح جنبش مقبولیت عمیق یافت این تحلیل بود که روند اوضاع بسوی جنگ پارتیزانی سیر میکند و تحلیلهای نیز در همینجا متوقف ماند. برخی تا بدینجا

پیش میرفتند که به تکرار دائم بدیهیات و -
آموزشهای اولیه جنگ پارتیزانی می پرداختند
و دائما از حملات غافلگیرانه و عملیات
مخفیانه و ... سخن میگفتند در حالیکه
مشکل اصلی تکرار این آموزشهای اولیه نبود .
مسئله اصلی روشن نمودن موازنه موجود بین
دو نیرو و اتخاذ سیاستی مشخص از طرف
نیروهای انقلابی که به حد مشخصی از تمرکز
یا پراکندگی نیروی پیشمرگه استوار باشد که
رویه دیگر آن شناخت سیاستهایی که دشمن
در چنین شرایطی اتخاذ خواهد نمود بود .
تکرار این بدیهیات در ارزیابی (هر چند
خود بخودی) از موازنه موجود ، ارزیابی -
ای که بسیار پایین تر از واقعیات بوده ریشه
داشت .

وقتی ارزیابی ای یا بین تراز واقعیت
بوده و موازنه نیروها را بیش از آنچه واقعی
است بنفع دشمن و بضرر نیروهای انقلابی
تشخیص دهد در نتیجه نیروی پیشمرگه را
به پراکندگی ای بیش از آنچه ضروری است فرا
میخواند . این از یکسو اما از سوی دیگر
توان تعرض و برنامه های تعرضی دشمن را
نیز بیش از آنچه هست دانسته و برنامه های
غیر واقعی را از سوی دشمن قابل اتخاذ -
دانسته و اتخاذ سیاست پراکندگی کردن نیروی
پیشمرگه را در انطباق با سیاستهای افراطی
شده دشمن میداند . از یکسو پیشمرگه را به

پراکندگی ای در حد گروههای چند نفره فرا
میخواند و از سوی دیگر تصور میکند اتخاذ
سیاست محاصره و سرکوب از طرف دشمن -
یعنوان سیاست اصلی خویش امکانی واقعی
است . نمونه ای از چنین درکی را در مصاحبه
حسین مراد پیگی عضو کمیسیون نظامی کوه له
که در نشریه کمونیست ۷ (فروردین ۶۲) درج
شده است میتوان مشاهده نمود . وی در آن
مصاحبه بر اساس چنین درکی به این نتیجه
میرسد که " دشمن تاکنیک محاصره و سرکوب
نیروهای ما را بصورت تاکتیکی اساسی در سال
آینده دنبال خواهد کرد " .

درکهای انحرافی و ارزیابیهای غلطی
که از موازنه موجود بین نیروهای انقلاب و ضد
انقلاب وجود داشته و همواره به اشکال مختلف
نیز خود را نشان داده و میدهد از میانسی
تحلیلی انحرافی از اوضاع سیاسی ایران و
کردستان نشأت گرفته است . عدم درک بحران
انقلابی موجود و ناتوانی در درک مختصات
این بحران را میتوان علت اصلی این مسئله
دانست . نیروهایی که درکی نادرست از
مختصات بحران انقلابی جامعه دارند وقتی
در مقابل دو سؤال مشخص قرار گرفته اند یا
یا سخگویی غلط بدانها مبنای ارزیابی غلط
خود از موازنه موجود بین نیروهای متخاصم را
بایه ریزی کرده و در ادامه تحلیل خود به
ارزیابی ای یا بین تراز موازنه موجود دست

یافته اند. مسئله اول تشخیص مسئله محوری رژیم جمهوری اسلامی است. با پکرآت مسلان مختلفی کد جمهوری اسلامی با آنها دست به گریبان است را تحلیل کرده و گفته ایم که این رژیم در پاسخگویی به معضلات موجود و برای پاسخگویی به بحران عمومی سیاسی جامعه ناگزیر از معطوف کردن بحران به بیرون بوده و از اینرو دست زدن به جنگ با عراق و تداوم این جنگ را برای آن همچون نان و آب دانسته ایم. رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ با عراق میخواهد بر ناتوانی خود در پاسخگویی به بحران موجود در جامعه سرپوش گذاشته و سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی را توجیه نموده و برده بر تضادهای درونی خود کشیده و در یک کلام با معطوف کردن بحران به خارج ادامه حیات ننگین خود را تداوم بخشد. از اینرو جنگ با عراق مسئله محوری رژیم بوده و همواره بر محوری نمودن آن تکیه نموده است. رژیم ارتجاعی فقها برای تثبیت حاکمیت خود در جامعه میکوشد اما بحران عمیق سیاسی چنین توانایی را از او سلب نموده و در مقابل در برابر سقوط قریب الوقوع قرارش داده است. بی تردید اساسی ترین مسئله رژیم تثبیت حاکمیت خویش در پالای سرکارگران و زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران است ولی ناتوانی رژیم در این تثبیت او را بر این

میتواند که بکند ادامه جنگ با عراقی زدن را بدفع خود خرید و در بدر بدنیال شرايطی که تحت آن بتواند حاکمیت خود را تثبیت نماید بگرداند. از اینرو جنگ با عراق مسئله و قدم این رژیم تبادیل شده است چرا که سرکوب توده ها و تداوم آن تا بدانجا که شرایط برای تثبیت رژیم فراهم شود خود تساهله و نه زیادی در گرو ادامه جنگ است. اما پاسخ نادرستی که به این مسئله داده میشوند پاسخی که در بین نیروهای فعال در کردستان عمومیت داشته و به اشکال مختلف نیز خود را نشان داده اینست که با توجه به وزن و اهمیت نقش جنبش خلق کرد و تبادیل شدن آن به در مقاومت در برابر جمهوری اسلامی سرکوب این جنبش مسئله اصلی رژیم بوده و در نتیجه در مجموعه برنامه های خویش برای آن الویت قائل شده و میتواند نیروی اصلی خود را در سرکوب این جنبش یکبار گیرد. چنین تصویری با این مقدمه چینی که دولتمن ایران و عراق بالاخره قادر به کار آمدن با یکدیگر هستند چرا که علوتاً بسا یکدیگر تفاوت چندانی نداشته و هر دو در برابر خلق کرد (چه در ایران و چه در عراق) سیاست واحدی دارند به این نتیجه میرسد که آنچه برای رژیم جمهوری اسلامی در الویت قرار دارد سرکوب این جنبش است. اما در دنیای سیاست معادلات ایس چنین

خطی و یک پند می نیست . مسئله مقدم
 رژیم فقها را باید طی بررسی همه جانبه از
 مجموع عوامل موجود در ریاست و همانگونه که
 اشاره نمودیم مجموعه این عوامل جنگ با عراق
 را به مسئله اصلی رژیم تبدیل نموده است .
 درک انحرافی از مقدم بودن سرکوب جنبش
 مقاومت (که گاه نیز خود را به شکل مقدم
 بودن سرکوب مقاومت سراسری برای رژیم خود
 را نشان میدهد) غالباً با این نگرانی نیز
 دست به گریبان است که نکند توافق بین دو
 رژیم ایران و عراق صورت گیرد و نیروهای خصم
 یکپارچه بسوی کردستان سرازیر شوند . در
 حالیکه ادامه جنگ با عراق برای رژیم فقها تا
 پد انجا به مسئله حیاتی تبدیل شده که
 سرکوب جنبش مقاومت (و ایضاً جنبش سراسری)
 در این مقطع خواه در گزرتداوم جنگ با
 عراق است . چنین درکی وقتی تمامی امکانات
 و توانایی ها و نیروهای مسلح رژیم فقها
 را در برابر جنبش خلق کرد قرار میدهد پس
 این تصور که رژیم چه در صورت پایان دادن
 به جنگ با عراق وجه قبل از آن میخواهد و
 میتواند بخش اعظم توان خود را در برابر
 خلق کرد بسیج نماید ناگزیر به ارزیابی ای
 باین تر از واقعیت در تشخیص موازنه موجود

بین نیروهای جنبش مقاومت و رژیم دست پیدا
 میکند ، بکارگیری عالی ترین نوع سیاست
 محاصره و سرکوب از طرف رژیم را ممکن دانسته
 و در مقابل سیاست هر چه پراکند ، ترکردن
 نیروی پیشمرگه را تجویز میکند . اما در واقعیت
 رژیم فقها نه میخواهد و نه میتواند که چه
 تمام وجه بخش اصلی نیروی خود را در
 کردستان و بر علیه خلق کرد بکار گیرد و در
 صورت پایان یافتن جنگ با عراق نیز بحران
 معطوف شده به خارج آنچنان در درون
 جامعه و در سرتاسر اجزای آن خود نمایی
 کرده و گسترش خواهد یافت که در آن حالت
 نیز رژیم جمهوری اسلامی ناتوان از جنسیس
 بسیجی در برابر خلق کرد خواهد بود .
 مسئله دوم ارائه درکی درست از توان
 بسیج نیروی رژیم فقها و بطور اخص توانایی
 رژیم در بسیج نیرو بر علیه خلق کرد است .
 پاسخ گویی به این مسئله مستقیماً در
 ارتباط با پاسخی که به مسئله اول داده شده
 مربوط میگردد . بدین ترتیب که با تشخیص
 درست از مختصات بحران انقلابی و مسئله
 محوری رژیم میتوان دریافت که رژیم فقها
 حداکثر توان و نیرویی را که توانایی بکار
 گیریشان در کردستان را داشته است بر

خود مختاری حق مسلم خلق کرد است

علیه خلق کرد بسیج نمود و بدینگونه در بحران آمد بود
نیروی به مراتب بیش از آنچه هم اکنون در کردستان
مستقر است را در اینجا بکار گیرد. بخصوص وقتی که به
فزاینده گی جنبش توده ای چه در کردستان و
چه در سراسر ایران توجه کنیم در خواهیم یافت
که توانایی رژیم نسبت به آنچه هم اکنون قابل
مشاهده است دائماً کاهش یافته و آن را از دست
زدن به تعرضات و بیرشهای به مراتب بیش از آنچه
در حال حاضر بدان دست میزند تا توان تر خواهد
شود. هم اکنون رژیم حداکثر توان و اعتماد ممکن خود
را در کردستان بکار برده و اینهمه یا بگه و مقرر
و امکانات و مزد و پرداخت اگر چیزیست که میتواند در
کردستان بپراکند ساخته و بکار اندازد.
برکسی پوشیده نیست که رژیم در حاکم
بسیار با لایه ای امکانات و نیروی خود را به
کردستان اختصاص داده است و مقابله با
این نیروی قابل توجه به برنامه ای دقیق و
تاکتیکی سنجیده ای که قادر به بکسار
گیری از حداکثر توانایی های جنبش مقاومت
باشد نیازمند است. اما در مقابل باید این
واقعیت را نیز بدین جهت که در شرایط حاضر
و فعلیتی که در آن بسر میبریم ما با آن توان
و نیرویی از دشمن روبروئیم که باید آنرا
حداکثر توان بسیج نیروی دشمن در
برابر جنبش خلق کرد حساب آورد
و چه بسا این حداکثر را با تقلیل یا بد
و تقلیل آن تا حد و زیادی به برسانیم

و تاکتیکی ای جنبش نیز بستگی مختصراً به
داشت
تلفی نادرستی که در این رابطه در
سخن جنبش عملکرد داشته است توان بسیج
نیروی دشمن را به مراتب بیش از آنچه هست
دانسته و تصریح می کند رژیم جمهوری اسلامی
میتواند از مجموعه نیروی خود هر آنچه
خواست را در کردستان بکار گیرد. چنین
ارزیابی ای که بر درک نادرست از مختصات
بحران انقلابی جامعه استوار است همواره
رو بسوی پذیرش رکود در جنبش سراسری داشته
و به اشکال شرمگینانه مسئله رکود را در رابطه
با جنبش سراسری (منتهی تحت عنوان رکود
نسبی و ۰۰۰) مطرح نموده و گاهی نیز
مستقیماً پای تحلیل موازنه موجود در
کردستان را بر وجود آمدن رکود در جنبش
سراسری دانسته است. برای نمونه میتوان
از مقاله "خروج کامل و بدون قید و شرط قوای
اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان
خواست طبقه کارگر است" درج در نشریه
"کارگر کمونیست" ۱، مثال آورد که در آنجا
برای تعیین شعار محوری برای کردستان به
"رکود و تحرک جنبش انقلابی سراسری"
توسل جسته. یا ریگای گه لایه کسه
برای اثبات غلبه شکل پارتیزانی
در کردستان میگوید: بسا رکود نسبی
بر جنبش سراسری

توده ای و اشغال بسیاری از ساطق کرد س
توسط رژیم شکل پارتیزانی پیرین از پیش شکس
عده جنگ در کردستان میگردند * (تاکیدات
از ما)

ناتوانی درک علل تداوم جنگ باعراق
توسط رژیم خمینی و تداوم این علل تحلیل
برخی از نیروهای سیاسی را تا بدانجا نیز
پیش برده است تا بدین نتیجه برسند کسه
رژیم فقها به اهداف خود در رابطه با این
جنگ دست یافته و دیگر در جهت پایان داد
به جنگ و برقراری مصالحه با عراق حرکت
میکند . رویه دیگر این درک اشتباه که جنگ
با عراق را بعنوان مسئله محوری رژیم
نمی شناسد اینست که تصور میشود رژیم
در صورت پایان دادن به جنگ قادر بسه
اکثر نیروهای خود بر علیه خلق کرد خواهد بود و
در نتیجه موازنه نیرو شدت بضرر جنبش مقاومت
تعمیر خواهد کرد . بطور خلاصه این درک که
مختصات بحران انقلابی موجود در جامعه رانص
شناسد ، جنگ را مسئله مقدم رژیم نمیداند ندیی
برای تداوم جنگ توسط رژیم فقها پیدا نمیکنند و
یا یان جنگ را قریب الوقوع میدانند ، در صورت
یا یان جنگ نیروی رژیم را آزاد شده دانستسو
تصور میکند تمامی این تیر و قابل بسیج بر علیه
جنبش مقاومت خواهد بود . در نتیجه از یکسو
تثبیت رژیم و بوجود آمدن رکود در جنبش سراسری
را محتمل دانسته و از سوی دیگر تعمیر موازنه

نیرو بضرر جنبش مقاومت را به این احتساب
می افزاید . نمونه ای از چنین برخوردی را
در " ریگای که ن هلا " میتوان مشاهده نمود .
در آنجا طی مقاله ای تحت عنوان " اهداف
رژیم جمهوری اسلامی از جنگ و چشم انداز
تحولات آینده " برای بررسی این مسئله که
تا چه حد زمینه های عینی توقف جنگ وجود
دارد و عواقب آن چیست؟ " پس از طرح اینکه
" روشن میگردد که رژیم طی این جنگ چگونه
به اهداف اصلی داخلی خود دست یافته
است و تا چه حد این جنگ به دوام و بقا
آن مدد رسانده است " (و این معنای جز
تثبیت رژیم و بوجود آمدن رکود در جنبش
توده ای را در بر ندارد) به اهداف خارجی
رژیم در این جنگ پرداخته و میگوید " یک
مجموعه عوامل مانع از آنست که رژیم بتواند
به این هدف خود دست یابد " و بالاخره
نتیجه میگیرد که " امروزه کلیه این عوامل [یعنی
دست یابی به اهداف داخلی و ناتوانی در
دست یابی به اهداف خارجی] دست
اندر کارند که رژیم جمهوری اسلامی را وادارند
که جنگ را متوقف سازد . " و بالاخره پس از
طرح چشم انداز قطع جنگ از طریق توافق
بین دولتهای ایران و عراق به این نتیجه
نیز میرسد که " در مورد کردستان نیز وضع
بر همین ضوال است . اگر توافق مشترکی برای
مربوب جنبش خلق کرد صورت نگیرد کسه

دوی ریبنندان

... برود مبارزات توده های مردم در سیسیر جریان - در مجمع پیشرونده تاریخینان میاشد. روز دوی ریبنندان (دوم بهمین) از همین روزهای تاریخی خلق، تحت ستم و مبارز کرد و یاد آور پیروزی چشمگیری یادماندنی این خلق مبارز است که در اوج بی نظیر بود یک توانن مشخص قوای پیروزی و درزی توانست حکومت خود مختار خود را اعلام دارد.

پیروزی توده ها - یعنی رسیدن به جامعه ای بد و راز ستم طبقاتی - حکم تاریخ است. اما توده ها برای دستیابی به پیروزیها بازگشت نباید بوقطعی در این راستا، تنها با درگیری از پیروزیها و نکستهای تاریخی، میتوانند گذشته را جوار آینه سازند تا با روشنی بخشیدن به راهی که باید با گامهای استوار از پیچ و خمهای آن عبور نمود، از لعرشها ریزود رشت برهیز نمود و رله ساری ترقی و تکامل را یکی پس از دیگری و یاد دستیابی به پیروزیهای هرچه شکوه مند تر بیابند. دوی ریبنندان از جمله همین روزهای برجسته در تاریخ خلق کرد است، که تحلیل نقاط ضعف و قوت آن میتواند چراغی برای مبارزه جاری این خلق بیاخته گردد.

جمهوری خود مختار کردستان در و م

بهمین ماه سان ۱۳۲۹ در شرایطی که رژیم ارتجاعی - سلطنتی مرکزی ناتوان شده بود، با پشتیبانی توده های نیاخوانسته خلق کرد، برهبری حزب دمکرات و در رأس آن قاضی محمد اعلام موجودیت کرد. آنچه این جمهوری داشت شرف مبارزاتی رهبران بود و شترانه حمایت توده ای عظیم و شرایط مناسب خارجی که امکان شدت انقلا ب توده ها را تا حد تا سیس چنین حکومتی فراهم آورده بود. اما آنچه این جمهوری نداشت، عدم سازماندهی تسوان و انزود انقلابی توده ها در جهت استفاده از شرایط فرا هم آمده خارجی و تحکیم و گسترش پایه های آن بود.

اتکاء به پشتیبانی سازمان نیافته توده ها و امید بستن به تداوم شرایط مناسب خارجی، یا شنه آشیل جمهوری خود مختار کرد سبسان گردید. یا شنه آشیلی که از عدم توجه به سازماندهی توده ها و تلاش در جهت ایجاد تشکلهای توده ای نشأت می گرفت و همین یا شنه آشیل بود که با برهم خوردن شرایط خارجی و پیوستن نیروهای حکومت مرکزی مورد سرب قرار گرفت و جمهوری خود مختار کردستان نتوانست در مقابل تهاجم نیروهای سرکونگ رژیم سلطنتی آنزمان آنچنان که تالیسته و پایسته بود مقاومت نماید و بهمین دلیل پیروزی یا دار نماند و در خون نشست.

اکنون خلق کرد، سی و نهمین سالگرد

دوی ریه ندان را در شرایطی برقرار میکند که طی مبارزات پیگیر و خونین چند ساله اخیر خود همواره همان ضعف اساسی - عدم تشکّل و سازمانهای توده ای - بوده و هست. بهمین دلیل نقد ضعفهای جنبش آلمان، نقد دوی ریه ندان، میتواند زمینه نقد ضعفهای جنبش جاری خلق گردد.

واقعیت اینست که سطح مبارزات توده ها مستقل از اراده نیروهای سیاسی و در اثر عوامل ضعف اقتصادی و اجتماعی تعیین میگردد، اما نیروهای سیاسی، که هر یک نماینگی طبقه یا گرایش از یک طبقه را برعهده دارند، میتوانند بر روند این مبارزات تاثیرات سازنده یا مخرب بجای بگذارند. وظیفه نیروهای انقلابی در راستای به پیروزی رسانیدن هر جنبش توده ای - منجمله جنبش جاری خلق کرد - عبارتست از سازماندهی توده ها در سطح و ایجاد گستردگی چرا که تنها در این صورت میتوانند انرژی واقعی توده ها را در جهت رسیدن به اهداف انقلابی بکار گیرند و از به هرز رفتن آنها جلوگیری نمایند.

تردیدی نیست که محور اصلی مبارزات جاری خلق کرد مبارزه مسلحانه است. اما در این نیز تردید نباید داشت که مبارزه مسلحانه تنها یک پایه مبارزات کمونی خلق کرد بوده و پایه دیگر این جنبش را مبارزات سیاسی تشکیل میدهد. چرا که بخش عظیمی از توده تشاد در مقاطع خاص - مثلاً در مقطع قیام - خاصریه

دست بردن به سلاح بردن و تا آلمان خارج از محدوده عملیات مستقیم نظامی، و حداکثر در پشتیبانی فعال از آن، به مبارزات خود ادامه میدهند. بدین ترتیب روشن است که مبارزه مسلحانه و بعنوان دشمنی و شکل از مبارزات توده ها، مکمل یکدیگر و متضمن و زمینه ساز شرکت هر چه گسترده تر توده ها هستند. اما نکته اساسی اینست که توده ها را باید در تشکلهای توده ای گسترده - چه در مبارزات مسلحانه چه در مبارزات غیرمسلحانه - گرد آورد و سازماندهی نمود و در این زمینه نباید تنها باید به سازماندهی آنان در سازمانها و احزاب سیاسی اکتفا کرد.

بنابراین یکی از مهمترین وظایفی که در مقابل نیروهای انقلابی در کردستان قرار دارد، تلاش در جهت سازماندهی توده ها، در ابعاد نظامی و سیاسی بعنوان دویا به متمم و مکمل یکدیگر و بعنوان دو ستون اصلی جنبش جاری خلق کرد است.

سازمانهای مسلح را میتوان در هم کوبید اما توده متشکل را نمیتوان درهم شکست. این درسی تاریخی است که دوی ریه ندان و پیامدهای پیش بر آن صحنه گذاشت. اما هستند کسانی که یا هنوز این درس را فراموش کرده اند و یا آنرا با تعصب بیرئاد درست دریافته اند. نمونه این عدم توجه را میتوان در مقاله "جنبش کردستان و جنبش سراسری" درج در شماره ۱۰ - انشیره

(همانجا تاکید از ماست)

تردیدی نیست که حزب دمکرات ، چه به لحاظ نیروی مسلح و غیر مسلحی که در اختیار دارد ، چه به لحاظ پایگاه توده ای اس بزرگترین نیروی سیاسی در کردستان است . اما در این نیز نمیتوان تردید داشت که این حزب ، تنها نیروی سیاسی در کردستان نبوده و از آن بهتر اینکه نیروی سازمان یافته این حزب نسبت به کل خلق کرد جمعیت و نسبت ناچیزی را تشکیل میدهد . از طرف دیگر حتی اگر غرض را برای بگیریم که اکثریت توده های کرد نیز هوادار حزب دمکرات باشند ، صحبت بر سر عدم سازمان نیافتگی آنها و عدم توجه نویسنده نه تنها نسبت به ضرورت سازماندهی آنان بلکه به طریق اولی نسبت به ضرورت سازماندهی تمامی خلق کرد است .

توده های مردم ، حتی اگر اکثر آنها هوادار کلی حزب یا سازمانی هم باشند ، تا آینده های نه چندان نزدیک ، حاضر یا قادر به ورود به آن سازمان یا حزب - به شکل تشکیلاتی آن - نبوده و اکثریت آنها خارج از احزاب و سازمانهای سیاسی به زندگی خود ادامه میدهند . اما این امر

کردستان " بوضوح دید .

نویسنده مقاله پس از مقدّماتی که ملّ وارد بحث چند وجوهی یا حد صحت و سقم آنها نمیشوم ، با ابراز ناراضی و ناخشنودی از نیروهائیکه به عدم سازماندهی توده ها در کردستان انتقاد داشته و آنها نقطه ضعفی برای جنبش کمونی میدانند ، مینویسد :
" البته ما هرگز مدعی نمیشوم که گویا جنبش خلق کرد عاری از هر نوع عیب و نقصی است . لیکن در همانحال به یقین میتوان گفت که این جنبش جنبشی است نیرومند ، دارای برنامه ، رهبری و سازماندهی در حد مطلوب " (کردستان ، شماره ۱۰۱ ، صفحه ۲۸)

تا آنجا که از مجموعه حال و هوای مقاله برمیآید ، نویسنده مقاله خلق کرد و حزب دمکرات را یکی میگیرد و بهین دلیل آنها را در مقاله مترادف و معادل یکدیگر یکبار میبرد . بدین ترتیب وقتی حدی از سازماندهی را در حزب دمکرات و نیروی مسلح توده ای تحت فرماندهی مشاهده می کند ، بلافاصله این نتیجه را میگیرد که خلق کرد و جنبش خلق کرد " دارای برنامه رهبری و سازماندهی در حد مطلوب " است .

پیش بسموی سازماندهی تشکلهای توده ای

بنا بر این روشن میشود که عدم وجود سازماندهی توده‌های وسیع در کردستان تاچه حد مانع از بکارگیری انرژی انقلابی توده‌ها شده و در نبود تشکلهای توده‌ای، تاچه اندازه محدودی از این انرژیها عظیم و غلیظه سلطه و پیشروی ضد انقلاب مفاهقی استفاد شده .

اما بن توجهی نویسنده اهمیت سازماندهی توده‌ها به همینجا ختم نمیشود که من افزایش اگر در این رهگذر عیب و نقص متوجه جنبش باشد و آنرا باید در این واقعیت جستجو کرد که به امروز کمتر در فکر ذخیره نیروی خود بوده است و برآستی اگر نظری منصفانه داشته باشیم بهیچوجه انتظار نخواهیم داشت که مردم کردستان از این حد هم پیشترین به مبارزه بدهند و از این بیشتر قربانی تقدیم کنند و از این بیشتر بریکرد شمن ضربه بزنند و بالاخره از این بیشتر جان و مال خود را فدای آزادی و موکراسی و خود مختاری بکنند! (همانجا) از این حرفها چه در فهمیم ؟ اگر خوشبینانه به این مطالب نظر انداخته و این استنباط را تکمیل که این حرفها پیش از آنچه بوی دلسوزی بد رانه بدهند و بوی ترویج و اشاعه سیاست انتظار میدهند و حاشا فلانی بوند نویسند " کوردستان " که مروج چنین سیاستی باشد ! — نمیتوان حداقل این واقعیت را انکار کرد که نویسنده همانگونه که ضرورت سازماندهی توده‌ها را در نمیا بد و در نتیجه بد که تنها توده سازمان یافته است که میتواند انرژی واقعی

ناقص این نیست که توده‌های مردم — متناسب یا سطح جنبش — حاضر و قادم در محل زندگی یا کار خود به مبارزه بپردازند . سازماندهی ایستوده‌های عظیم و مستقل از اینکه اصولا عضو یسوا هوادار حزب یا سازمانی باشند یا نباشند و تنها در تشکلهای توده‌ای مناسب و خاص خود امکان پذیر است اما نویسنده مقاله " جنبش کردستان . . . " به این واقعیات توجه ندارد و نمی بیند که در کردستان این سازمانهای توده‌ای در بسیاری از مناطق از جمله شهرها یا اصولا وجود ندارند و آنجا که وجود دارند تاچه حد غیرفعال و بدون برنامه و غالباً بدون پیوند با توده‌های مردم عمل می‌کنند اما نویسنده نه تنها چشم بر این واقعیات می‌بندد و از آنجا که از سازماندهی توده‌ای مردم در صحنه " رامن فهند و سازماندهی توده‌ها را در کردستان در حد " مطلوب " ارزیابی میکند و بلکه با اضافه کردن اینکه " دربارہ ای موارد حتی بیشتر از توانائی توده‌ها از نیروی آنها استفاده شده است " بن توجهی خود را نسبت به رابطه ای که میان سازماندهی توده‌ها و استفاده و هر چه بیشتر از انرژی انقلابی آنها برقرار است .

همبستگی سازمان یافته توده‌ها قدرت بیشتری را در مقابل نیروهای شکننده موجب میگردد و این تفاوت که مورد مورد توده‌ها و از آنجا که جمع تشکل یافته آنها از آحاد انسانی است قدرتی بیشتر از جمع جبری نیروی تک تک آنها را بوجود میآورد

مبارزاتی خود زانسان کند و بهین ترتیب
 نمیتواند دریابد که اولاد هیچ نیروی سیلی نمیتواند
 ند و نباید بود و هارا واد اره مبارزه نماید و تانیا
 اتفاقات بود سازمان یافته و متشکل و بهمان
 اندازه که میتواند انرژی انقلابی خویش را در
 حد بالایی و در جهت مبارزه بکار بیاندازد و بهنگام
 اندازه نبره بتواند جلوی حسارت وارد به بییکسر
 خود را بگیرد و آنرا در طی مبارزه به حداقل برساند
 این برابطه ایست مستقیم میان حد سازمان
 یافتگی توده ها با قدرت و توان مبارزاتیشان و با
 به حداقل رسانیدن حسارات و تلفاتشان .
 لزومی به ندره بین خواندن کتب متعدد
 نیست تا انسان به رصوح ببیند و دریابد که توده
 های خلق کرده در شهر روز رستا با تمام وجود
 باگوست و خون خود در غشی و حیوان عقور رژیم
 نقهار احس کرده اند و بهین دلیل طی سالین
 گذشته با ما به گذاشتن از جان و مال خود در
 مقابل حاکمیت و پیشروین به مقاومتی شجاعانه
 و حماسه آمیز دست زده و در این راه هیچگاه
 حمایت خود را از جنبش سلحانه و درجهست
 تداوم بخشیدن به آن دریغ نموده اند .
 رژیم بنهار آغاز بروی کار آمدنش همواره
 کوشیده سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه اش
 را بصبر گوناگون در کار سرکوب عریان به بیس
 برد از تحویل حجاب اسلامی گرفته تا تحسین
 مذ هب حکومتی و سر باز گیری اجباری و تحلیه
 اجباری روستاها و انهدام شهرهای روستائی و

تشکیل شهرهای دست نشانده اسلرمی و
 ایجاد نهاد های ارتجاعی و . . . تلاش برای
 بازین گرفتن آنچه توده هاد رطون انقلاب
 بدست آورده بودند . خلق کرد نیز در مقابل این
 سیاستهای ارتجاعی و برای آزادی و حق
 سرزشت خویش و عرنشتر از حمایت بیدریغ از
 جنبش سلحانه دست به مبارزه در اشکال
 و ابعاد گوناگون از قبیل تحصص و تظاهرات
 تحریم و . . . خلاصه تمام سوری که میتوانسته
 عدم تمکین مخفی و یا علنی خود را به تبهت برساند
 دست به مبارزتی بیگیر زده است و باز هم احتیاج
 به ادوات و ابزار دقیق یا "اشو برداری" از
 کتب نیست تا دریافته شود که نسبت به سطح
 توان مبارزاتی جاری خلق کرده تشکلهای
 توده ای تا چه حد ناچیز است و توده های
 مردم تا چه اندازه برای زمین بردی هر چه
 قدر تند تر مبارزاتشان برای دستیابی به
 اهدافشان احتیاج به آنها ندارند . کافیست
 چشمهای خود را باز کنیم تا ببینیم ایا از
 آنجا که نویسنده ما قدرت خیره نگرستن در
 این واقعیات را ندارد به این نتیجه میرسد
 که جنبش خلق کرد سازماندهی و رهبری خود
 را دارد و به آنجا میرسد که نمیتوان بیس
 از این مردم انتظار مبارزه و . . . اداکاری
 را داشت و علاوه آنجا کشیده میشود کسه
 نباید ا و همینجاست که نتیجه میشود کسه
 بنا بر این احکام . . . به خود اجازت
 نمیدهم که باز هم از مردم کز ستان گله مند

شوراهای محلات و از میوند آنها شوراهای شهر و هر تشکل صنفی یا سیاسی را در روستاها تا آنجا که منطبق و انقلابی است و شورا های علنی و تا آنجا که غیر ممکن است انقلابی باشد و شوراهای مخفی را ایجاد کنیم و بکوشیم یا هر چه توده ای تر وارد یکا کردن آنها و از بهزر رفتن انرژی انقلابی توده ها جلوگیری نماییم. بکوشیم با دادن رهنمود های درست و به موقع و سازماندهی مبارزات مردم - هر جا که مبارزه ای هست - آنها را در مقابل با رژیم و سیاستمدانسی ارتجاعی یاری رسانیم. بدین ترتیب بکوشیم زمینه های پیروزیهای هر چه قطعی تر را فراهم آوریم و با این عمل دوی رینسدان و آموزه های تاریخی آنها در عمل ارج بگذاریم.

پاسخ به ...

... آن جنبش در حوزه خاص خود (فرهنگ) اهمیت خاص دارد. نیروهای انقلاب و فعال در جنبش نیز باید در این رابطه انرژی اختصاص دهند. ما هم سعی میکنیم در این زمینه شرکت فعال نمائیم. و به اینوسیله در عین حال بتوانیم پاسخگوی نیاز کسانی که به فارسی مسلط نیستند باشیم و هم بتوانیم حوزه بخش نشریات را تا بخشهای دیگر کردن استان که رهمجوری با کردستان ایران هستند گسترش دهیم.

باشیم! حال آنکه صحبت گه گی از مردم کردستان در میان نیست بلکه صحبت از انتقاد و عدم توجه به سازماندهی توده ها و تلاش در جهت ایجاد تشکلهای توده ای از طرف سازمانهای رهبری کننده است. اگر صحبت از "گه" در میان باشد و این خلی مردم کردند که بخود حق میدهند از از نویسنده مقاله "جنبش کردستان و جنبش سراسری" بخاطری توجهی به سازماندهی توده ای گله مند باشند بویژه اینکه این مقاله در نشریه "کوردستان" ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران - که وارث بلافعل رهبریت دوی رینسدان است - نوشته و منتشر میشود. حال آنکه حزب دمکرات است که باید پیش از همه از دوی رینسدان و اشتباهات آن بیاموزد و آموزه هایش را در عمل بکار بندد. بویژه آنکه جنبش کمونیست با کیفیت و کمیتی بالاتر از ۲۶ سال پیش خود جریان دارد و جز این نیز نمیتوان انتظار داشت.

در سی و نهمین سالگرد تأسیس حکومت خود مختار کردستان و "دوی رینسدان" را گرمی بدارم و با تلاش در جهت سازماندهی تشکلهای توده ای و در ایجاد وسیع و گسترده و توش و توان مبارزاتی خلق کرد را هر چه پارو تر و قدرتمند تر به میدان مبارزه ای که در آن قرار دارید بکنانیم. در شهر

تلاشهای رژیم ...

کند و بر این مینا - تحلیل وضعیت جنبش و جمع‌بندی تجربیات آن و سیاستهای رژیم - میتوان کوه استوار اراده جنبش بود و ای را در مقابل تلاش رژیم برای پیشبرد سیاستهای در منطقه به دزی تسخیر نماید بریدن نمود و وظیفه ای که همواره در مقابل همه نیروهای سیاسی و بشروان این جنبش قرار دارند افشای روابط با اهداف و سیاستهای رژیم در هر مورد و در برخورد به هر موضوعی است . چرا که نبود توهم و ترس نیست در رژیم در بین توده های خلق کرد از ابتدا تا کنون ، از نقاط قوت برجسته مبارزات انقلابی کردستان بوده و هست . پس باید با تلاش مداوم برای افشای سیاستهای رژیم ، امکان کسب هر گونه موفقیت سیاسی حتی منقطع و محدودی را از رژیم گرفت و در نهایت جنبش را برای مقابله با آن آماده ساخت .

ضرورت و اهمیت این مسائل از این واقعیت برمی خیزد که رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون تمامی حکومتهای صدامتقلابی ناچار است در تقابل با مبارزات توده های بزرگ بستر طولانی و بحرانی در عملیت کشنی کردستان در کار محور اصلی سیاستش - مرکب عربان - رژیم و نریشهای سیاسی را بعنوان رجه تکمیلی سیاستش بکار بندد تا بدینوسیله بتواند در صفوف جنبش شکای ایجاد

کرد ، و با تکیه بر تائید اصالی مبارزه در کردستان و یگاری نریشهای سیاسی در سایر حوزه ها - چون محوری مبارزه - مبارزه مسلحانه - رابده انزوا کشیده و بنا برود سازد و سپس با انواع خاطر به سرکوب مبارزات توده ها در حوزه های دیگر بپردازد . نبود ها و جلوه های مختلف آنرا میتوان به وضوح در دوره اخیر برخورد های رژیم به مسئله زندانیان سیاسی ، در برخوردش به بریدگان از مبارزه مسلحانه ، و تفاوت برخوردش در برخورد نسبت به گشته در رابطه با مناطق که به اشغال در می آید ملاحظه کرد .

همچنانکه اشاره شد این سیاست در عرصه های مختلفی تا کنون از سوی رژیم بکار گرفته شده و همچنان نیز رژیم در این تلاش است که با گسترش این سیاست در حوزه های دیستر و پیچیده کردن آن به ناصد انقلابی اس جامعه عمل بپوشاند . از آنجائیکه جنبش انقلابی کردستان همچنان در مقابل تمامی تعرضات و تانکیکهای رژیم ایستادگی میکند و یگاری و استوار از خواستها و حقوق خود به دفاع میرد از رژیم زمین از دستبرد سیاستهای خود در منطقه ناچار رابه هردری بزند تا بلکه بتواند از سران خود به اراده و توان جنبش حلقی وارد نماید و به موفقیتی سیاسی دست پیدا کند .

از موارد برجسته این در بدری رژیم تلاش هائش است که احیاً برای سازمان دادن و ایجاد - احزاب و تشکلهای سیاسی - دست

نشاندند در کردستان به عمل می آورد. رژیم می کوشد با فراهم آوردن هرچه بیشتر شرایط برای روی آوری بریدگان و واباندگان از مبارزه به سوی خود و صفوف جنبش را تضعیف نمود. در روحیه تسلیم طلبی و سازش رادریین جنبش رواج دهد. غافل از اینکه جنبشی که به اراده توده های میلیونی خلق کردتکیه زده باشد با بجای گذاشتن سنگرش و مبارزه از سوی معدود پهلوانان گان کوچکترین خلقی در راه غرضش پدید نخواهد آمد. غافل از اینکه تا زمانیکه این مبارزه بردوام است، تا زمانی که رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی برسر قدرت است و در کردستان پای بر حقوق این خلق نهاد میداند و فضای مبارزاتی این منطقه هرروزه جوانان برونزد و کارآمدی را برای برگردن بیش از پیش سنگرهای انقلاب در دامان خود خواهد پروراند.

رژیم ندارد امه این سیاست و گسترش آن میکوشد با تطمیع این وارثگان دست به تلاشهای برای متشکل کردن آنها بزند تا بتواند این امر را به زمینه بهره برداری سیاسی وسیع تری نسبت به تسلیم شدن انفرادی - در سطح جنبش تبدیل نماید. با برقراری تا سه ساله مذاکراتی با این افراد - بخصوص کسانی که سابقاد جنبش شناخته شده بودند - در ارومیه

و حتی برخی از آنان به تهران آنان را هرچه بیشتر به خود نزدیک نماید و برای بهره برداری های خود از آنها استفاده نماید. در جریان این تماسها عوامل رژیم با آنها در میان میگزاردند که رژیم قصد دارد برای حل سیاسی مسئله کردستان دست به اقداماتی بزند و راه حل آنرا در ایجاد یک تشکل سیاسی دست نشانده میبندد. به آنها پیشنهاد میکند که یک کنگره رژیم و باعتبار شناخت و تجربه شان از وضعیت و مسائل خاص کردستان آنها برای ایجاد این تشکل یا حزب سیاسی تلاش کنند. تا در ادامه آن رژیم بتواند تحت عنوان پیشبرد راه حل سیاسی برای مسئله کردستان با آنها بعنوان نمایندگان سیاسی جنبش بر سر میز مذاکره بنشیند. از قرار معلوم طرح مذکور از سوی قرارگاه هیزه تعقیب شده و از شواهد چنین برمی آید که حرکت سیاسی برای حل مسئله کردستان در بین گردانندگان رژیم - لااقل در سطح منطقه - کردستان - طرفدارانی دارد، هر چند که آنها در درون رژیم در اقلیت بسر می برزند.

این سیاست رژیم در مراحل اولیه موفقیتی بدست نیاورد. چرا که هم رژیم و عواملش و بهتر از آنها بهره ها و خود فروختگان مجلسی اش بخوبی میدانند و دریافته اند که خلق کسرد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

یکپارچه و متحد در تلاش برای حقوق خود و سرنگونی رژیم فقها است تن به هیچگونه سازشی با او و عوامل دست نشانده گانش در هر شکست و لباسی نخواهد داد و وری آن چه کینه عمیقی نسبت به خلق فرریشان (جاشها) در دل آنها موج میزند • هم اکنون نیز با وجود اینکه شواهدی مبنی بر ادامه تلاش رژیم در این زمینه در دست است ولی این سیاست برای او موفقیتی در برسر نداشته است •

در ادامه این تماسها و مذاکرات و عوامل رژیم طرح دیگری را مطرح میکنند • مضمون این طرح بدین قرار است که • این افراد از طریق رابطه همان بادوستان و آشنائی هائی که در جنبش دارند تلاش کنند که موجی را برای تسلیم و روی آوری بسوی رژیم و از آن طریق ایجاد یک تشکیلات سیاسی دست نشانده به حرکت در بیاورند و رژیم نیز در ادامه آن با وجود آمدن تشکیلات مذکور آنرا به رسمیت بشناسد - به عنوان نماینده مردم کردستان - و طرح مذاکره را برای حل سیاسی مسئله کردستان در ارتباط با آن پیش ببرد تا بدین وسیله بتواند از سوئی جنبش را در چار شکاف کرده و از سوی دیگر بر مینای آن در سطح توده ها در کردستان و سراسر ایران دست به تبلیغات زده و به خیال خویش برای خود پیروزی های سیاسی کسب کند •

البته رژیم نیز خود را اساساً از هر

شیوه ای برای پیشبرد این سیاست بهره می جوید • فشار بر روی خانواده پیشمرگان و تنطیم آنها بوسیله عوامل میزدورش در مناطق بر روی پیشمرگان شیوه های رایجی است که رژیم برای این مقصود خود در پیش گرفته است •

رژیم در حوزه های دیگر نیز این سیاست خود را تعقیب میکند که یکی از آنها تلاشها یی است که اخیراً برای تماس با برخی از افسران و عناصر مقیم ارومیا نماید • و در این رابطه نیز تاکنون نیز موفق به برقراری تماسهایی شده و بناگفته نماند که از این سیز تاکنون نتیجه ای عایدش نشده است •

چنانکه در بالا نیز اشاره کردیم • رژیم در پی شکستهای سیاسی اش در کردستان و ناتوانی اش از سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد که با صلابت و مقاومت یکپارچه توده های این سرزمین روبرو است • ناچار از اتخاذ چنین سیاستهایی است • رژیم که بخوبی دریافته است که نمیتواند پیشمرگه را در سرزمینی که خود پرورانشده آن است نابود کند • رژیم می داند توده های این سرزمین باند زده ندره توانشان از این مبارزه حمایت میکنند • پیش از تحمل شکست های فراوان دست به دامان واماندهگان و فراریان از سنگرمبارزه انقلابی میشوند تا بدینوسیله بلکه بتوانند به سیاستهای خود جامه عمل ببوشاند • و با آلوده کردن جنبش به روحیات تسلیم طلبانه و با شنیدن تخمهای سونامیدی جنبش مسلحانه

ضعف و نابردی بکشاند و در ادامه آن عرصه
 روشهای دیگری باره اندلایی را سرکوب نماید.
 سوی دیگر نیز با بهره برداری سیاسی از این
 اتود، های خلق کردن دچار تردید و متزلزل
 رده و آنها را به عذاب نشین براندازد. چرا که سه
 برین میدانند که تازمانی که این جنبش بر راه
 ت وارثین جمهوری اسلامی آشنا برای همه
 ت. چیزی عایدش نخواهد شد. حال آنکه
 رتوانی بیش از این داشت. به این درگیری
 نثار گرفته از من شد. اما نباید از اینک ما عیبت
 سهرری اسلامی برای همه مردم کرد. ستان
 شن است در مصروف بهار زه این خلیف
 نزمند و د بریده گانی که به خلیف
 رد پشت میکند. کسی را نمیتوان یافت که تن
 سیاستها و حاکمیت آوردند. رژیم کسی
 تن قادر به اجرای ناطقانه و فرمایشی
 تلاپی هم نیند. باز هم اکنون شکست بلافاصله
 یاست اخیر خویشتن نیز بر همگان آشکار است.
 پس باید با تبایع و تاکید بر ثوران مبارزاتی
 جنبش خلق کرد و اتشای زوینی و نایوانی های
 نیم تلاشهای اخیرش را - تلاش برای ایجاد
 حزب دست نماند - افشا کرد و همواره
 را این تاکید کرد که در پیش گرفتن چنین سیاست
 نای از سوی رژیم از موضع ندرت نبود.

بلکه بیانگر ناتوانی اش در برخورد با مسئله
 کردستان است. در این میان افراد و عناصر
 خود فروخته ای که تحت هر عنوان تن به
 همکاری با رژیم دهند - کسانی در تبیین و
 پیشبرد سیاستهای پیمکوب رژیم در کردستان
 نقش فعال را برای رژیم بازی می کنند - باید
 بدانند که جنبش خلق کرد از انسروی و
 توان فرزندان جان پرکن نیروی گیرد که
 برای تحقق آرمانهای خود و رهائس
 خلقشان یک لحظه دست از سلاح بر
 نخواهند داشت و تا آخرین قطره
 خون نیز از دستاورد ها - این
 مبارزات دفاع خواهند کرد.
 سز و شت محترم آنها و همه
 کسانی که به خلق خود پشت کنند
 و در کنار رژیم به سرکوب آن
 بپردازند همانند دیگر مزدوران
 رژیم خواهند بود و جنبش انقلاب
 کردستان نیز هیچگاه چنین اعمال
 را پس باسخ نخواهند گذاشت.

حق تجبین سر نوشت، حق مسلم خلقهاست

اعتصاب ۲۷ هزار کارگر ساختمانی ذوب آهن

در سال ۶۱ طرحی از طرف مدیریت بنام "تعاون کارگران" برای بخش ساختمانی مطرح شد که با مقاومت کارگران و درگیری در مقابل دراصلی فولاد شهر که ضربه د سنگیری بخشی از کارگران شد، بود مواجه گشت. نتیجه این که این طرح با عقب نشینی مدیریت به تعویق افتاد. تا اینکه در آبان ۶۲ در بخش پایگاه صنعتی ذوب آهن یکی از عوامل کارفرما طرح تعاونی بودن کارگران را در باره مطرح ساخت که بدون درنگ با اعتصاب حدود ۵۰۰ نفر از کارگران این بخش مواجه گشت. خبر اعتصاب کارگاه صنعتی فوراً به سایر بخشهای ساختمانی سرایت داد. و ۲۷ هزار کارگر ساختمانی در بخشهای مختلف ذوب آهن دست از کار کشیدند. اعتصاب از روز یکشنبه ۲۰ آبان تا سه شنبه ۲ آبان ادامه داشت. که با حمایت کارگران ساختمانی فولاد شهر و کارگران ساختمانی ذوب آهن در مجتمع فولاد مبارکه و بخش بهره برداری قسمت کوره بلند و کوره سازی برخورد ارگشت. کارگران با تشکیل مجمع عمومی آزمایش خود نمایند و انتخابات نمودند و از شهرداری مدیریت شرکت خواستند که در باره این طرح توضیح دهد. و در روز سه شنبه ۲ آبان مجمع عمومی تشکیل گردید و نمایندگانی که کارگران ساختمانی را بطور با ساختن ذوب آهن نموده اند، بردارند. و از مدیریت ذوب آهن خواست که در این باره توضیح دهد. مدیریت در باره تاریخچه ذوب آهن و طرحهای که در باره کارگران ساختمانی وجود داشت صحبت نمود. و سه طرح را عنوان نمود (۱) طرح تعاونی کردن کارگران (۲) فرستادن کارگران به پروژه های دیگر (۳) استخدام کارگران دیگر که من با طرح سوم موافقم. نمایندگانی که کارگران سخنان مدیریت را مبهم تلقی کردند و خواستار شد که کارگران وضعیت فعلی خود باشند و طرح توسعه ذوب آهن اجرا گردد و از مدیریت خواست که اطلاعات بیشتری از مقامات بالاتر در رابطه با این مساله در اختیار کارگران قرار دهد. که اینصورت ۵ روزه به مدیریت داده شد که موسس باید ولت مطرح شود. مطرح مدیریت در باره استخدام کارگران مشخص نیست. آیا سابقه کار به حساب می آید یا نه؟ آیا بعد از استخدام باید به شهرهای دیگر منتقل شوند یا نه؟ جواب این مسائل توسط کارگران از مدیریت خواستند شد و قرار شد که جواب در تاریخ ۷/۶/۶۳ داده شود. کارگران تهدید کردند که در صورت عدم دریافت پاساژ اقدام خود را ادامه خواهند داد.

توسیع جوهر طرح تعاونی اخراج ۲۷۰۰۰ کارگر ساختمانی تحت پوشش ایجاد کار در زیرین از کارخانه میباید که مدیریت از برد اختصای و بازگشتگی به کارگران معاف خواهد کرد. این در حالی است که بخش اعظم کارگران ساختمانی از شروع پیدا این ذوب آهن در این کارخانه جوانی و زندگی خود را صرف ساختن ذوب آهن نموده اند.

"فولاد"

(ارسالی از نشریه "فولاد" به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - اصفهان)

اعلامیه کمیته اصفهان

به کارگران مبارز و آب آسن (کارگران مبارز) رژیم جمهوری اسلامی پس از انقلاب ۵۷، تنها خواسته های کارگران را اجرا نمود، بلکه به دست آوردن های مبارزات کارگران در دوران انقلاب یکس از دیگری تعرض نمود است. رژیم جمهوری اسلامی به این هم اکتفا ننکرده به دست آوردن های مبارزاتی کارگران در دوران ستم شاه، نیز حمله نمود، دست و پا زد و نه تنها رژیم پخش از کارگران در آب آسن در این رابطه می باشد. رژیم جمهوری اسلامی بدست است که کمر حجت بسته است که بحران اقتصاد ایران از جیب کارگران و زحمت کشان و بیست کارفرمایان و مدبریت سرمایه داران محترم حل نماید. یکی از اهداف دولت رژیم طرح تعارضی کردن کارگران می باشد که با مبارزات قهرمانانه شما در سال ۶۱ به عقب نشست. این طرح اولین و آخرین تعرض به حقوق و نیازهای شما می باشد. اگر امروز بخش ساختن نس بود تعرض قرار میگیرد فردا مرتب بعضی بهره بردار است. از این روی می باید و گیری از تعرض رژیم به حقوق کارگران میباید. رگر رژیم از بیای و غنا سفته خود داشته باشد. بدوون آگاهی و تشکیک رژیم جمهوری اسلامی نه تنها حقوق صنفی - اقتصادی را از ما خواهد گرفت بلکه حقوق نهائی را نیز از ما سلب خواهد کرد.

طالب کارگران و آب آسن

۱ - تشکیل مجمع عمومی - روز رور تعیین کنند

۲ - مذاکره با مدبریت باید عملی در مجمع عمومی صورت گیرد. مثل مذاکره با مدبریت برای توضیح طرح تعاونی

۳ - آگاه کردن بخشهای دیگر آب آسن مثل بهره برداری و این که امثال این طرح فردا در انتظار شماست.

۴ - انتخاب نمایندگان از بخشهای مختلف ساختن

واسته های کارگران

۵ - لغو طرح تعاونی کردن کارگران

۶ - اسحدام رسمی مشروط به اینکه

الف - سابقه کار محسوب گردد

ب - بنا به التواوت پرداخت گردد

ج - طرح توسعه و آب آسن اجرا گردد.

کارگران مبارز و آب آسن نمایندگان سگامها، کوره ها، ماشین ها از بازوان پرتوان شما به حرکت در می آید. شما را این مبارزه چیزی جز زنجیر اسارت را از دست نمیدهد. متحد شوید.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته اصفهان

۶۲ / ۸ / ۲۸

تفلا ، آزادی ، حکومت شورائی

اخباری از جنبش کارگری و توده‌های سراسری

به نقل از نشریات منطقه ای وابسته به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

● **اعتصاب کارگران کانادای ***
● **مقاومت قهرمانانه، جدالی ناپرر**

* کانادای، کوکاکولا، سن آبی و جوعه *
با داشتن نزدیک به چهار هزار نفر کارگر در سه شیفت یکی از کارخانجات بزرگ چاد، قدیم کسج و در جوار کارخانه شیشه و گاز می باشد. کارگران این کارخانه نیز مانند سایر کارخانجات از کمبودها و خفقان حاکم بدست مدیریتان وابسته به "بنیاد مستضعفان" رنج می برند. مدیریت این کارخانه در سطح مختلف به بهانه های جنگ و کاهش تولید از پرداخت پاداش افزایش تولید خودداری می نماید. امسال نیز مدیریت اعلام می کند بدلیل کاهش تولید در چهار ماهه اول سال، پاداش پرداخت نخواهد شد، و این

در شماره ۶ نشریه "راه کارگر" خیر
اعتصاب قهرمانانه کارگران کانادای درج گردید. پس از آن با دریافت نشریات منطقه ای سازمان و دیگر گزارشات خبری زوایا و نکته های مهمی از حرکت انقلابی کارگران بطور کاملتر انعکاس داده شده است. ما بدلیل اهمیت این اعتصاب و قهرمانیهای کارگران در شرایط سرکوبناستی کنونی حاکم بر میهنمان، با استفاده از عمدتاً نشریات "اتحاد کارگران" شماره ۴ و "اتحاد سرخ" شماره ۱ گزارش خبری زرد را تنظیم کرده ایم؛
شرکت سامان تولید کند، نوشابه های



نردی عند انقلاب، منافق و کزنیست، حرف او را گوش نکشید، او میخواهد اخلال و آشوب کند. کارگران گول حرفهای انجمن اسلامی را نخورده، بعد از ناها ر دسته جمعی با دادن شعار مرگ بر سه نمسیدین (اسم سه تن از روسای کارخانه) به تمسها پرمیگردن و بقصد گرفتن پاداش دست از کار کشیده اعتصاب مینمایند. کارگران شیفت ۲ نیز از عمل انقلابی کارگران شیفت ۱ دفاع کرده و بقصد گرفتن پاداش افزایش تولید و دیگر خواستها دست از کار کشیده و به اعتصاب می پیوندند، کارگران از خروج کامیونهای نروس از کارخانه جلوگیری بعمل میآورند. نردای آتریوز ۲ نفر از داد ستانی بهمرا ه تعداد زیادی یاسدار به کارخانه می ریزند و کارگر مبارزی که جرعه اعتراض همگانی را زده بود و سر کارگر مبارز دیگر را دستگیر می نمایند و با ایجاد جو رعب و وحشت سعی می کنند کارگران را به سرکار برگردانند، اما کارگران که خشم یک عمر ستم دیدگی و حقارت را در دل داشتند به سرنمایندگان داد ستانی ریخته و آنها را گروگان میگیرند و اعلام میکنند در صورتی آنها را آزاد می کنیم که ۴ کارگر مبارز را آزاد کنید. یاسداران سربازیه از این جو بهم ریخته استفاد کرده و بداخل سالنها هجوم می آورند و به تیراندازی بطرف کارگران نمایندگانه

در حالی بود که کارگران بدلیل گرم بودن هوا تولید را افزایش داده بودند. آنان که مشاهده کرده بودند که کارگران کارخانه شیشه و گاز در سایه مبارزانشان از حقوق و مزایای بیشتری نسبت به خودشان برخوردار نازند، تصمیم می گیرند از مبارزات آنها ستمشوق گرفته و در مقابل ندادن پاداش اعتراض نمایند. در ابتدا اعتراضات بصورت نردی و پراکنده صورت میگرد. در تاریخ ۲۶ تیر ماه، یکی از کارگران پیشرو و مبارز بالای میز ناها ر خوری رفته و با صدای بلند می گوید: "کارگران شما همگی با سر ای می شناسید. من حدود ۱۴-۴۵ سال است که در اینجا کار می کنم و نه ضد انقلاب هستم و نه چیز دیگری الان میدانم که ما چندر تولید داریم و بدانم که سال گذشته حدود چندین ملیین تومان سود داشته ایم. اما مدیریت حق ما را میخورند و پاداش افزایش تولید نمی پردازند. کارگران پس از شنیدن حرفهای او به جنب و جوش آمده با تصدیق گفته های کارگر مبارز، اعلام میکنند مدیریت باید به پاداش پرداخت کند. انجمن اسلامی کارخانه که از شور و آگاهی آنان برخوردار است افتاد، پرد به ناها ر خوری آمده و خطاب به کارگران میگوید: ما این کارگرا می شناسیم و مدتی است او را تحت نظر داریم و

داد ستانی را آزاد می نمایند. به گفته شاهد ان
 از کارگشاید وند ای جبروح می گردند کارگران با
 بطریهای شکسته نوشابه به جنگ یا سد اران
 سراپا مسلح می روند و کارخانه یکبارچه صحنه
 مقاومت و نبروانان با یا سد اران می گردد. یا سد اران
 که مبارزه و سرسختی همگانی کارگران را مشاهده
 می کند و عقب نشینی می نماید. کارگران بعد از
 تعطیلی ۵ شبه و جمعه در روز شنبه همراه با زن
 و بچه های دستگیرشدگان و زخمیها به کارخانه
 آمد و همچنان اعتصاب را ادامه می دهند. روز
 سه شنبه ۲ مرداد ماه "صانعی" داد ستان
 انقلابیه کارخانه آمد و برای کارگران سخنرانی
 می نماید و می گوید: "ما حامی مستضعفین هستیم
 اما الان جنگ است و باید سختیها را تحمل کرد."
 یکی از کارگران از وسط سالن بلند شد و فریاد میزند
 این "صانعی" اصلا ایرانی نیست! او در رومادرش
 مغول هستند و خردش خونخوار و آدمکش است."
 یا سد اران "صانعی" برای دستگیری این کارگر
 بمیان کارگران حمله ور میشوند اما با مقاومت کارگران
 روبرو شد و کارخانه بارد یکرصحنه درگیری میشود
 کارگران مجدداً با سدار "صانعی" را دستگیر
 کرد و سالن را تحت کنترل خود می گیرند. "صانعی"
 که موافق به فرار میشود از مرکز تقاضای کمک می کند و
 در زمانی کوتاه ۵۰۰ یا سد اران مسلح بداخل کارخانه
 ریخته و شروع به تیراندازی می کنند و بار دیگر سر
 تعدادی شهید و مجروح میشوند و حدود ۳۰۰
 کارگریزد دستگیر میشوند از فردای همان روز کارخانه

شروع تعطیلات تابستانی را اعلام میکند، اما کارگران
 بهسراء خانوادها و مجروحین دستگیرشدگان
 در روزهای ۵ شبه و جمعه ۴ و ۵ مرداد ماه مجدداً
 بکارخانه می آیند لکن در همانجا از طرف یا سد اران
 سرعاً متفرق میشوند. بعد از تعطیلات تابستانی
 داد ستانی درد اخل کارخانه شعبه ای د اثر میکند
 و هر روز تعدادی از کارگران مبارز را به دستر فرست
 میخوانند که در آنجا یا سد اران و یک نفر بنوان باز
 جو محتظر کارگران مبارز بودند. بهنگامیکه کارگران
 فراخوانده شدند و وارد اتاق می شدند باز جوسوال
 میکرد و که چرا اعتصاب کردید، بودید؟ یا سخ کارگران
 این بود که ما اعتصاب نکردیم بلکه ما مدبر نیست
 اختلاف داشته ایم که حق ما را از ما امیداد و ما سعی
 در رگرتن حق خودمان داشته ایم. باز جوسوال
 میکرد که چرا به خمینی فحش دادید که کارگران
 شکر فحش دادن بودند و زمانیکه بازجوییه اینجا
 میرسید یا سد اران به کارگر حمله کرد و رشید او
 را مورد ضرب و شتم قرار میدادند و سپس کارگر خون
 آلود را به کمیته برد و بد و باره مرد آرا و شکجه
 قرار میدادند و شکجه کارگران از شلاق خوردن تا
 گداشتن تنگ روی شقیقه و مجبور کردن آنها بیه
 نوشتن وصیتنامه و محضرها ی یک ادومه می یانته
 و سرانجام آنها را مجبور به امضا تعهدنامه ای
 میکردند که حق نزد یک شدن به کارخانه راند داشته
 و آنها را از کارخانه نیز اخراج میسایند. گرچه تعداد
 از کارگران آزاد شدند، اما تاکنون تعدادی از
 کارگران در زندان بسر میبرند.

تیراندازی بطرب مردم کرد و در نتیجه سه زن و مرد کشته و حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده و حدود ۵۰ نفر از مردم دستگیر می‌شوند. بعد از ایستادن و اتعنه روحیه اعتراضی مردم اوج بگیرد و در جمع‌های گوناگون بر علیه رژیم علناً صحبت می‌کنند. روز جمعه بعد از واقعه بحالت عدم استقبال مردم از نماز جمعه رژیم دست به تبلیغات گسترده‌ای می‌زند و بالای یک وانت بلند کونصیب کرده و در کوجه پس‌کوچه‌ها شمار می‌دهد و از مردم با عنوان "مردم شهید پرور" و "مردم نمیشوند در صحنه" برای شرکت در نماز جمعه دعوت به عمل می‌آورد ولی هیچکس به تبلیغات رژیم گوش نداد و نماز جمعه را تحریم می‌کنند.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

● مقارنت کمابارگران راه آهن در برابر اخراج همکارانشان

در روز جمعه هفتده آخر ماه رمضان (روز قدس) دولکومونیو در راه آهن تهران، بر اثر یک سانحه بهمدم یگر برخورد می‌کند و خسارات قابل توجهی بیاری آید. مسئولین راه آهن چند نفر کارشناس را برای ارزیابی میزان خسارات و علت وقوع حادثه به محل می‌فرستند. آنها کمپوزارتر می‌دهند که این تصادف بطور عمدی صورت گرفته و مسئولین برای تهدید کارگران از فرصت سوءاستفاده کرده و می‌گویند: چون روز قدس بود.

حیران‌سایب کارگران مبارز ناراحتانه "کانادا دران" سریناد رستخ جاسمه بحر کرد یه در کارخانه دیره با حضرت حبراعصاب و کارگران احساس بر عزیریتادی می‌کردند. به دیار درسا ر دسترس نیهای اکثر کارخانه‌ها ساعارهایی مبنی برشتیبایی و درورد بر کارگران اعتصابی شرکت ساسان نرشته شد. کارگران دیکر کارخانه‌ها در صحنه‌های هر چند کوچک خود و در سرویس‌ها خبر اعتصاب را نقل نموده و می‌گفتند باید از آنها پشتیبانی کرد. (نقل از نشریه (راه کارگر) - ارگان سیاسی سازمان)

● اعتراض مردم نیروزکوه به اعدام یک جوان انقلابی

از احر مرداد ماه در نیروزکوه، یک جوان انقلابی که مراد یکی از جریانات سیاسی بود، در سنگیری بعد از سه روز حکم اعدام او صادر می‌شود. روزنامه‌ها و روز اعدام می‌کنند. مردم نیروزکوه برای تسلیح جنازه جوان انقلابی کرد می‌آیند و این مراسم به تظاهرات علیه رژیم تبدیل می‌شود. در این تظاهرات شعارهای مرگ پراسدایره و مرگ برحیسی داد می‌شود. پاسداران در حالت کرده و سعی می‌کنند با تیراندازی عوانی مردم را بشن کنند ولی مردم عصبانی شده و به پاسداران را شجره می‌آورند و چند نفر از آنها را زیر مشت و ننگ خود رچی می‌سازند. پاسداران اقدام به

راهیهای مردم بر وجه

در اعتراض پسه پاسداران

حدود ۲ ماه قبل دست کمیته چپ های
بر وجه که با قاچاقچیان مواد مخدر سر و سری
داشتند و خود از عوامل پخش و فروش مواد مخدر
بودند، برای مردم باز میشود. به همین خاطر
مردم اعتراضاتی خود را در هر جمعی بشکل افشا
گری ابراز می کردند. تا اینکه روز بروز اعتراضات
مردم شدت بیشتری می گیرد. سپاه پاسداران
ناچار می شود، قبل از اینکه مردم اقدامی بکنند
رئیس کمیته و معاونش را دستگیر کرد و چند
نفر دیگر از کمیته چپ ها را در ارتباط با مسائل
مربوط به قاچاق و مواد مخدر زندانی نماید.
سپاه از مردم معترض می خواهد که آرامش خود
را حفظ کنند و اگر شکایتی دارند، بیایند و شکایت
خود را تسلیم دادگاه نمایند. مردم که همه
شاک و معترض بودند، در دسته های ۵ - ۴
نفری برای شکایت حرکت می کنند. در مجلس
شکایت حدود ۶۰۰ - ۵۰۰ نفر جمع می شوند و
که کم کم تعدادشان به ۱۵۰۰ - ۲۰۰۰ نفر
می رسد. جمعیت بطور خود بخودی به حرکت
در می آیند و این حرکت شکل تظاهرات خود
می گیرد. در همین تظاهرات شعار مرگ بر
"جمهور" (جمهور اسم معاون کمیته می باشد) و

رانندگان لکوموتیو می خواستند با استفاده از این
تصادف ساختگی دست به خرابکاری بزنند و بر
اساس این گزارش (کارشناسها) پرونده ای بر
علیه رانندگان لکوموتیو تشکیل دادند و هر دو را
بلافاصله اخراج می کنند. کارگران دیگر که این
خبر را می شنوند و بعضی از آنها نیز شاهد تصادف
بودند، یقین داشتند این حادثه عمدی نبوده
است و شدت خشمگین شده و همگی دست به
اعتصاب می زنند و اعلام می کنند "تارنقای اخراجی
ما به سرکار برگرداند، نشوند، ناقاطرها را
حرکت نخواهیم داد و حداکثر تا پنج کیلومتر سه
خارج تهران خواهیم برد". مقامات مسئول
سعی می کنند با تهدید اخراج و ایجاد رعب و
وحشت رانندگان راه آهن را به سرکارها نشان
برگردانند ولی این توطئه در برابر اتحاد کارگران
راه آهن که بطور یکپارچه دست به اعتصاب
زدند، بودند و شکست خورد و مجبور به عقب
نشینی میشوند و سرانجام کارگران اخراجی به
سرکار برمیگردند.
(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب
تهران") (۵) - مرداد ماه ۶۳ - وابسته
به سازمان)

پیشی بسوی سازماندهی مرمونی طبقه کارگر

زن را از آن یکدست باشد نگوییم، اعتراضات مدیریت کارخانه بعد از تقریباً آهنگ از اجرای طرح ضد کارگری فوق بشطور جدی و تیرگی از اعتراضات در نتیجه جمعی کارگران موثراً اضافه کاری ۱۲ ساعته را لغو و بجای آن تعطیلاتی ۳ روز هفتای پنجشنبه را به نفع جبران تعطیلات تابستانه مدعی گردیدند.

پارلین:

در کارخانه پارلین در طی ۶-۵ ماه گذشته حدود ۲۰ کارگر زن بدلیل سخت بودن شرایط کار اقدام به استعفا نمودند. مدیریت کارخانه برای اینکه از پرداخت حداقل مبلغ بازخرد خلاص شود از قبول استعفا کارگران امتناع می ورزند تا کارگران مجبور شوند بدون دریافت بازخرد از کارخانه بروند. اکنون سیاست فشار بر زنان کارگر تا بدان حد رسیده که در این کارخانه زنان را از شیفت روز به شیفت شب منتقل می کنند که با مخالفت سرپرستها و هم چنین کارگران روبرو شده است. به دنبال این مقاومتها، مدیریت از سرپرستها خواهان آن شده است که کارگران زن را از یک قسمت دیگر کارخانه که کارش مشکلتر است منتقل نمایند که باز هم با مخالفت سرپرستها مواجه شده است. (به نقل از «سیاس زحمتکشان» (۶) - شهرریور ۶۲ - ارگسان هراداران سازمان - گیلان)

در ادامه به عمارت مرگ بر رئیس جمهور به سی رئیس کمیته و کم کم پس از مرگ بر خانه ای بزرگ بر خمینی تبدیل میشود. این تظاهرات تاظهر آن روز ادامه می یابد. نیروهای مسلح از او در حام جمعیت وحشت کرده و وحرد را کنسار می کنند. تا اینکه راهپیمایی خاتمه می یابد. مردم با یکدیگر برای تجمع راهپیمایی در محل دیگری برای ساعت ۲ بعد از ظهر قرار می گیرند، اما پاسداران که در این فاصله نیروهای کمکی از شهرهای مجاور گرد آورده و در نیمه جای شهر مستقر شده بودند، مانع جمع شدن مردم می شوند و اجازه حرکت مجدد را به مردم نسیدند. بعد از آن بمدت چند روز تظاهرات موضعی در شهر روبرو ادامه می یابد. از آن تاریخ به بعد در کمیته ها بسته می باشد.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

۳. فشار ضد یزیدیت به

زنان کارگران

ایران پولیس:

«دیهم اکنون رژیم فاسد و استبداد کارخانه برای اجزای زنان از کارخانه دست به حیلعه های گوناگون می زنند. در کارخانه ایران پولیس لاین کارگران زن را مجبور به انجام اضافه کاری بمدت ۱۲ ساعت می نمایند و در صورت عدم پذیرش آن وحتى کوچکترین اعتراض به آن، کارگران

● اعتصاب در کارخانه

جنرال صنعتی

کارخانه جنرال صنعتی حدود ۱۲۰۰ کارگر

دارد و سازنده انواع آب سرد کن و آب گرمکن و بخاری می باشد. این کارخانه روبروی کارخانه جنرال استیل قرار دارد. کارگران این کارخانه در تاریخ ۲۰/۴/۶۳ بشکل دریاقت حقوق و پاداش افزایش تولید به حسابداری مراجعه می کنند و ولی مشا هده می نمایند که هیچگونه پولی بعنوان پاداش که سالانه در سه نوبت پرداخت می شود، در لیست تعیین نشده است. بهر رو پخش این خبر در سراسر کارخانه و کارگران دسته دسته به دفتر مدیریت مراجعه کرده و خواهان توسیع در مورد عدم پرداخت حوا افزایش تولید میشوند. مدیر کارخانه مهندس زرگر میگوید که سود چهار ماهه اول کارخانه را برای تامین بخشی از تسلیحات جنگی و هزینه های جنگ بچپه ها ارسال کرده ایم و کارگران در پاسخ به وضعیت فلاکت بار زندگی خود اشاره کرده و به این تصمیم ضد کارگری شدید اعتراض میکنند بهر رو که کارگران بخشهای مختلف کارخانه از این اقدام مدیریت مطلع میشوند و به سبب فشاری کارگران در دریافت حق افزایش تولید که بخشی از حقوقشان می باشد و اسرار مدیریت تصمیم خود کارگران را خشکین ساخته و مجرمه توفد تولید از طرف کارگران میشود. اعتصاب بدت ۳ روز

یعنی تا روز سه شنبه ۲ مرداد ماه ادامه یافته و کارگران روز سه شنبه به اعتصاب خود پایان داده و تولید از سر گرفته میشود. (به نقل از "اتحاد کارگران" (۴) مهر ماه ۶۳ نشریه محل جنوب غرب تهران وابسته به سازمان)

● پیروزی کارگران تولیدارو

حدود او اخر تیر ماه کارگران يك قسمت از کارخانه در برابر اخراج یکی از کارگران که با سرپرست قسمت درگیر شده بود و تهدید به اعتصاب میکنند و که مسئولین کارخانه با وحشت از وحدت کارگران از اخراج کارگر مزبور صرف نظر میکنند. کارگران طبق معمول، زمانی که بوی بد ناشی از سوختن مواد تولید شده بوجود می آید و برای جلوگیری از اثرات سوء آن بر سلامتی کارگران، دست از کار میکشند و محل کار را ترك میکنند و تا بعد از ناپدید شدن بوی دویاره مشغول به کار شوند. سرپرست قسمت که عامل مزبور مسئولین کارخانه است برای خود شیرینی و بدین اقدام کارگران اعتراض میکند و بعنوان تهدید کارگران، کارت کارگری را ضبط مینماید و بوی و همه کارگران توهین میکند. کارگر مزبور با سرپرست درگیر میشود و کارگران قسمت فوق نیز برای حمایت از همکارشان دست



که يك منطقه زحمتکشان نشین می باشد، از بدتها پیش زحمتکشان برای خود سرناهی ساخت و میسازند. در اوایل آبان ماه ۶۲، ماموران شهرداری بمنظور تخریب خانه ها بمنطقه می آیند که در اثر مقاومت زحمتکشان و یادگیری بین ماموران شهرداری با مردم، ماموران شهر داری مجبور بفرار میشوند. شب حادثه همانروز پاسداران بمنطقه وارد میشوند. لازم به توضیح است که زحمتکشان از قبل ورود شبانه پاسداران را پیش بینی نموده و با خود فرار میگردانند و شب پاسداران آمدند، یکفرالله اکبر و قییه با صدای الله اکبر از خانه ها بیرون بیایند. کتبه با شنیدن صدای الله اکبر، مردم از خانه ها بیرون ریخته و با جوب به پاسداران حمله میکنند. مزدوران رژیم وحشت کرده با بفرار میگذارند. پس از ساعتی در همان شب پاسداران مزدور و باره بمنطقه برگشته و مردم را بمسجد دعوت می کنند. مردم به مسجد رفته و پاسداران به آنان میگویند: ما برای حمایت از شما آمده بودیم و نه برای سرکوب شما! مردم که میبینند، پاسداران عقب نشینی کرده اند، میگویند: خیلی خوب و ما را با شما کاری نیست و شما بروید. پارفتن پاسداران مردم شبانه و با سرعت تمام به ساختن خانه ها ادامه میدهند.

(از اخبار ارسالی نشریه "یک کارگزاران" وابسته به سازمان)

به اعتراض میزنند و میگویند: این مسئله مربوط به يك یا دو نفر نیست و مربوط بهمسه کارگران است و در این مواقع همه دست از کار می کشیم و اکنون نیز تا موتعی که همکارمان به سرکار برنگردد، ما همگی کار نخواهیم کرد. سرپرست به کارگر مزبور می گوید: حلالا من کارت را ضبط می کنم و نمی گذارم ساعت بزنی تا تکلیف مشخص شود. بعد از یکساعت کارگر مزبور را بدنترا حاضار میکند. همسه کارگران از کارگر مزبور حمایت می کنند و مسئولین کارخانه از ترس کارگران وی را به سرکار بر میگردانند. بعد از یکی دو روز جلسه ای توسط مقامات مسئول کارخانه برای بررسی مسئله تشکیل میشود و در نتیجه بعد از قدردانی از باصلاح زحمت سرپرست، از نحوه برخورد و صحبتش با کارگران انتقاد میشود و کارت کارگر مزبور به او پس داده می شود و همچنین بخاطر توهینی که به کارگران شده بود عذر خواهی می نماید و به کارگر مزبور می گویند: اصلا سرپرست حسی ندارد که کارت شما را ضبط کند و این در حیطه اختیارات سرپرست نیست.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" - مرداد ماه ۶۲ - وابسته به سازمان)

مقاومت زحمتکشان در مقابل

سأوریس تخریب

در خانه نظامی واقع در جاده طبرستان

باشد .

جنبش انقلابی توده هاد را بران با حکومتی درگیر است که در زمینه حقوق زنان حتی حاضر بد پذیرش حقوق فرمالیستی بورژوازی که اکنون در اکثر ممالک ارتجاعی نیز رعایت می شود نیست و این ویژه گی مسئله زن و دفاع از حقوق اجتماعی آنان را در برابر ارتجاع قرون وسطائی رژیم اسلامی بدل بد یکی از مسائل و محورهای مهم مبارزات د میکراتیک کرده است . پس در جنسیس شرایطی با تاکید بیشتر شرایط را برای شرکت هر چه بیشتر و همه جانبه تر زنان در مبارزه فراهم کنیم .

و اما در جنبش مقاومت و مبارزه مسلحانه بعنوان شکل اصلی مبارزه مردم علیه رژیم جایگز و ویژه ای دارد . در این عرصه نیز مانند پیشه عرصه ها پایستی از توان و انرژی ای که شرکت زنان به جنبش می افزاید استقبال کرد و برای گسترش فعالیت زنان در این زمینه کوشید مغالب در مخالفت با شرکت زنان در مبارزه مسدحانه در کردستان به تفاوت های جسمی و وضعی بدنی اشاره می شود . تفاوت در توان جسمی بین زنان و مردان يك مسئله روشن و واقعیه است اما این تفاوت نباید چنان مؤثر بحسا . آید که شرکت زنان در این زمینه از مبارزه راتحاد الشعاع قرار دهد ، مگر نه اینکه این تفاوت در مورد کار و فعالیت معیشتی نیز وجود دارد ولی پاسخش این نیست که فقط مردان کارکنند

پیا میخ به نامه ها

نامه ای با امضاء كاك محمود از ناحیه بانسه بد متمان رسیده و ایشان دو سوال مطرح کرده اند .

سوال اول : نظر شما زمان شما درباره پیشمرگتیب برای دختران چیست ؟

جواب : دوست عزیز كاك محمود ، زنان بعنوان نیسی از جامعه بشری همواره در همه حیوزه های زندگی يك جامعه نقش داشته اند . هم اکنون در کردستان میتوان براحتی دید که چگونه زنان کرد در وقت همسران خود برادران خود در تمامی فعالیت های اجتماعی چه در تولید و چه زندگی خانوادگی شرکت دارند و مبارزه هم به اعتقاد ما يك حرکت و تلاش اجتماعی است ، و نمیتوان سر نوشت يك جامعه را با مبارزه ای که نیسی از افراد آن جامعه در آن شرکت نداشته باشند تعیین کرد ، و بیساز چنانکه هم اکنون در سر تا سر کردستان می بینیم زنان نه تنها در لبا سر پیشمرگه بلکه در روستاها و شهرها در تمامی حوزه ها و زمینه های مقاومت و مبارزه علیه نیروها و ارکانهای سرکوب رژیم میزک فعال دارند و این واقعیتی است بیست بر بسته که هیچ بیننده ای نمیتواند منکر آن

تمامی مسائل فرهنگی، اجتماعی و حتی سنتها و تفکارتود. هارا با این مبارزه پیوند دهم و بخشش از افکار و سنتهای توده ای که در مغایرت با پیشرفت مبارزه خلق ماست با تلاش پیگیر ششدهم و اصلاح کنیم.

سوال دوم: چرا به زبان کردی نشریه نمیدهند؟

کاک محمود انتخاب زبان کردی برای یک نشریه بعنوان بخشی از شکل آن، همیشه در ارتباط با اهداف نشریه و شرایط حوزه بخش و کارکرد آن انتخاب می شود. کمیته کردستان سازمان نشریه ای مخصوص برای این منطقه منتشر میکند. مسلماً با ایستی وضعیت علاقمندان و خوانندگان را در نظر بگیریم و متناسب با آن و امکانات خویش نشریه و از آنجمله زبان آن را همین کنیم. از آنجا که شبکه بخش عمده افراد با سواد در کردستان ایران، سواد فارسی دارند و نه کردی و میتوان گفت که اکثر آنها میتوانند براحتی نشریات ما را مطالعه کنند.

بطور کلی مسئله فرهنگ ملی و از آن جمله زبان و خط مادری بعنوان یکی از پایه های پیوند و اشتراك و هویت هر خلقی در راستا مبارزه سیاسی نیز (بعنوان بخشی از حیات یک خلق) در تحکیم، گسترش مبارزه و پیوند توده ها با مسائل سیاسی چنین افزایش اقتدار و توان مبارزاتی

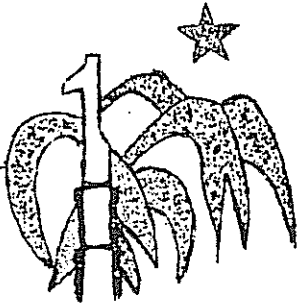
بغسیه در صفحه ۱۱

مردان و زنان دوش به دوش هم زندگی را پیش میبرند حال بر مبنای تفاوت در توانایی جسمی شکل معایت و کارشان متفاوت است. در زمینه شرکت در جنبش مسلحانه نیز درست به همین شکل است. بر مبنای تفاوتهای جسمی نمیتوان مانع شرکت زنان شد بلکه این موضوع نقطه میتواند شکل و گونگی سازماندهی آنان را تحت تاثیر قرار دهد.

نکته دیگری که همواره در بین مردم مطرح بود و اهمیت داشته و شاید برای شما نیز چنین باشد رابطه این امر با اعتقادات و سنتهای مردم است. که این نیز یک مسئله واقعی است و کمونیستها و انقلابیون با ایستی بدان توجه داشته باشند چرا که سازماندهی و هدایت مردم را وظیفه خود میدانیم و مسلماً با ایستی به ویژه گی ها، افکار و سنتها ایشان توجه داشته باشیم، چرا که بخصوص در جامعه ما این مسئله ویژه گی خاصی دارد و مانع از رسیدن اهداف خود را با در نظر گرفتن احتمالات توده ها (کسانی که ستونهای در جنبش هستند) پیش ببریم. کمونیستها به سنتهای توده ها احترام

میکزنند ولی در عین حال نمیتوانند فعالیت مبارزاتی خود را بخاطر منایرت با سنتها فراموش کنند و در شرایط عملی آنچه که از همه چیز بساری خلق ما مهم است مبارزه در راه اهداف سیاسی از است و بر این مبنای وظیفه ما این است

اول زانویه (۱۱ بهمن)
بیست و ششمین سالگرد انقلاب



کوبا

۱۹۶۱

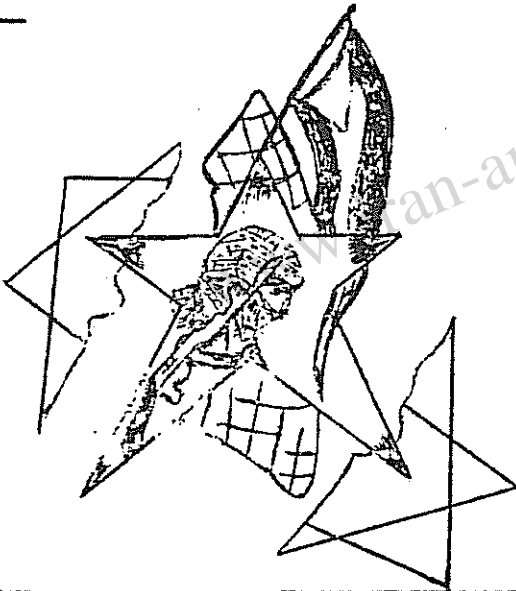
و

بیستین سالگرد آغاز
انقلاب مسلحانه خلق

فلسطین

۱۹۶۵

گرامی باد



دوستان و رفقا!

از هر طریق که می‌توانید
کبکهای مالی خود را بپارسانید

با ما مکاتبه کنید

گرامی بباد خاطرہ تابناک رفقای شهید علیرضا شکوهی

رحمت الله خشتکدامن ، عبدالباقی کاویان
(کاک ناصر) (کاک باقی)

جلال کوکبی ، حمید حسین پیور ، مجید را ستیروان
(کاک کاوه) (کاک جواد) (کاک بابک)

تلاشهای رژیم برای ایجاد احزاب دست نشانده دوکردستان

کرد در این دوره مبارزه پرسیج
وخم ، شرایط ، تحولات و عرصه های
مختلفی از مصاف با رژیم نهارا
آزموده است . این تجربه غنی
همواره توانسته است برای اتحاد
سیاستهای متناسب با شرایط
مبارزاتی نفس برجسته ای را ایجا

عماکس نزدیک به شش
سال از مبارزه انقلابی در کردستان
باتهاجمات رژیم نهارا دست
آورد های انقلابی و حقون خلون کرد
میگذرد و خلن نهارا کرده یکبارجه
در نمایل سیاستهای رژیم نهارا
میکنند . تداوم و قدرت این جنبش
رژیمی رژیم در نهارا بر آن بیان
راصح این واقعیت است . خلن

بها: ۵۰ ریال
بعینه در صفحه ۱۵

پیشنش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر